

کارکرد استعاره و تأثیر آن بر القای مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در صحیفه سجادیه

*حسن خلف^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه گنبد کاووس

(دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۴)

Metaphor function and its effect on abstract concepts induction and psychological states in Sahifah Sajjadiah

* Hassan Khalaf¹

1. Teacher in Gonbad-e-Kavous University

چکیده:

در متون ماندگار، پرتوهای سحرآمیزی رخ می‌نماید که عقل پژوهشگر را به تصرف خود در می‌آورد و همه فکر او را به خود جلب می‌کند تا از شیوه‌های نوآوری و سطوح آفرینش و منابع ثروتی که این متون مالمال از آن‌هاست، پرده بردارد. بدون شک، صحیفه سجادیه یکی از متون ماندگار و بدیع و سرشار از ارزش‌های هنری است که پژوهشگر را به کاوش در دریای بیکران خود و صید کردن هنرهای زبانی ارزشمند آن جلب می‌سازد. یکی از این هنرهای پر بسامد در صحیفه سجادیه، استعاره است که عمدتاً برای بیان مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود و از آن‌جا که صحیفه سجادیه در صدد تبیین ارزش‌های اخلاقی و مفاهیم دینی برای مخاطب است، از این فن در ترسیم و مجسم نمودن این مفاهیم بسیار استفاده نموده است. در این جستار تلاش می‌شود تا نخست، ادبیات دعا و سبک نگارش صحیفه سجادیه به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گیرد، سپس بر آنیم ضمن بررسی جایگاه استعاره در حوزه نقد ادبی و کارکرد آن، به تحلیل گوشه‌ای از استعاره‌های صحیفه سجادیه و نقش بارز آن در تصویر مفاهیم طبیعی، مفاهیم انتزاعی و مفاهیم دینی بپردازیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام سجاد در صحیفه سجادیه، استعاره را نه فقط برای زیبا ساختن کلام خود، بلکه برای محسوس و عینی جلوه دادن کلام خویش به کار گرفته است؛ زیرا چنان‌که ناقدان اذعان دارند، استعاره مهمترین ابزار تصویرگری مفاهیم پیچیده ذهنی و مکنونات درون است.

Abstract:

Metaphor study is one the most focused literary criticism branches paid attention by critics since last time ago and there are so many words about its role and function. Among the functions stated by critics of this language technique is that it portrays the concepts not perceivable easily in addressed mind and depicts it as a dynamic picture in front of the reader eye. This research attempts to study and explain this aspect of metaphor functions in Sahifah Sajjadiah relying on descriptive-analytical method. For this purpose, first of all, pray literature and Sahifah Sajjadiah writing style is investigated in brief. Then, while studying metaphor position in literary criticism area and its function, we will engage in analyzing the some part of Sahifah Sajjadiah metaphors and its marked role in depicting the natural concepts, abstract and religious concepts. The findings show that in Sahifah Sajjadiah, Imam Sajjad has employed the metaphor not only for adorning his words, but for sensible and objective representation of the words and for affecting the addressed mine.

Keywords: Sahifeh Sajadieh, metaphor, image, abstract concepts and mentally.

واژه‌های کلیدی: صحیفه سجادیه، استعاره، تصویر، مفاهیم انتزاعی و

روحی.

* نویسنده مسئول: حسن خلف

*Corresponding Author: Hassan Khalaf

E-mail: Hasan_khalaf84@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسأله:

سو متکلم را در ترسیم عواطف و احساساتش یاری دهد و از سوی دیگر، ذهن خواننده را در درک اهداف مورد نظر گوینده و مفاهیمی که در تصور نمی‌گنجد، یاری رساند. پژوهش حاضر با رویکرد معناشناختی در پی بررسی کارکرد استعاره‌های به کار رفته در صحیفه سجاده است. بدیهی است پرداختن به همه استعارات صحیفه از حوصله این بحث خارج و بلکه نیازمند به نگارش چند مجلد کتاب می‌باشد، از این رو به گزینش تعداد محدودی از برترین استعارات این اثر پرداخته‌ایم.

۱-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق:

سوالاتی که در این جستار، پیش‌رو داریم و محور بحث ما قرار گرفته‌اند، این است که هدف از به کارگیری استعاره در متون به طور عام و متون دینی به طور خاص چیست؟ آیا استعاره صرفاً جنبه زیبایی بخشیدن به متن دارد یا کارایی دیگری نیز دارد؟

فرضیاتی که مد نظر خود قرار داده‌ایم، این است یکی از برجسته‌ترین اهداف به کارگیری استعاره می‌تواند ملموس کردن معانی و نزدیک گرداندن آن به ذهن مخاطب باشد. نکته دیگر آن‌که استعاره فقط برای زیبایی بخشیدن به متن به کار نمی‌رود، بلکه اصل در به کارگیری استعاره تأثیر روانی آن بر مخاطب است.

۱-۲. پیشینه پژوهش:

جایگاه والای صحیفه سجاده در میان سایر آثار اسلامی و اسلوب زیبا و فنی آن سبب شده از چشم پژوهشگران به دور نماند و از دیرباز شرح‌ها و پژوهش‌های درخوری پیرامون این اثر نگاشته شود؛ از این میان می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

متون دینی، متون ویژه‌ای هستند که هدف اصلی آن‌ها تربیت، پرورش روح و هدایت است و در عین حال که بر عنصر عقلانیت تکیه می‌کنند، از سازوکارهای متون ادبی و ساختارهای زیبایی و هنری گوناگونی بهره می‌گیرند تا شور و عاطفه را در مخاطب برانگیزند، از این رو می‌توان گفت این متون همچون سایر آثار ادبی بن مایه‌ای از هنرهای ادبی را در خود دارند.

صحیفه سجاده یکی از همین متون دینی است که از سازوکارهای هنری برای غنا بخشیدن به الفاظ و معانی خود بهره جسته است تا از این طریق بر شور و هیجان مخاطب بیفزاید. این اثر که در میان سایر متون دینی به عنوان‌هایی همچون «أخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد» ملقب شده است (مدنی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۵۱ و ۱۰۰) در عین حال که اثری دعایی و روایی است، بسیاری از جوانب هنرهای زیبایی و ادبی را در خود گرد آورده است. این پژوهش در پی آن است تا یکی از جنبه‌های هنری متن صحیفه سجاده، یعنی استعاره را مورد بررسی قرار دهد. شایان ذکر است که استعاره یکی از پر بسامدترین جنبه‌های هنری در صحیفه سجاده است که عمدتاً برای بیان مفاهیم انتزاعی و حالات روانی به کار گرفته شده است؛ بهره‌برداری امام سجاد (ع) از این رویکرد به منظور تبیین مفاهیم و مسائل مورد نظر خود برای مخاطب است چرا که تصویرپردازی، از بهترین مولفه‌های تأثیرگذاری بر مخاطب است.

گفتنی است استعاره ماهیتی تصویری دارد و به دنبال یک ضرورت روانی شکل می‌گیرد تا از یک

همچون تصویر، ایقاع، عاطفه و تخیل شکل می‌گیرد؛ هرچند ممکن است در برخی از دعاها، یکی از جنبه‌های فوق‌الذکر خود را نشان ندهد، اما جنبه‌های ایقاع و تصویر محور اساسی دعا را تشکیل می‌دهد که در همه دعاها وجود دارد» (بستانی، ۱۴۱۳: ۳۶۲-۳۷۵).

امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه، از تمامی این ابزارهای هنری در تبیین اندیشه‌های الهی و اسلامی سود برده تا این موضوعات را به شیوه‌ای هنری در این موضوعات انتزاعی را در صفحه دل مخاطب ترسیم نماید.

زیبایی عنصر عاطفه در کلام امام سجاد (ع) را می‌توان به راحتی در حمد و ثنای پروردگار جست. ایشان هنگامی که به توصیف خداوند می‌پردازد، از شدت شوق و علاقه به ذات پروردگار تمام صفات نیک را محصور بر حضرتش می‌سازد. اسلوب حصر صفات نیک به خداوند در صحیفه بسیار شایع است. به عنوان مثال، امام سجاد در دعا برای مرزداران، وحدانیت را به شش طریق (أَنْ، ضمیر فصل، جمله اسمیه، حصر به نفی و استثناء، لفظ وحدک، نفی جنس) محصور در خداوند می‌گرداند: «أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» (صحیفه سجادیه، دعاء ۲۷).

موسیقی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های اسلوبی متن صحیفه است. برای مثال، می‌توان از موارد متعدد جوانب موسیقایی متن صحیفه به عبارات زیر اشاره کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدِي إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ

"تجلی صور خیال در صحیفه سجادیه، زیباترین اثر دعایی شیعه"، نوشته حجت رسولی و مجتبی ترکاشوند، فصلنامه ادبیات و هنر دینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره سوم، سال ۱۳۹۰. "نیایش دوم صحیفه سجادیه و تلمیحات قرآنی و نکات بلاغی آن" به قلم جلیل تجلیل، نشریه سفینه، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۹. "آرایه‌های بدیعی در صحیفه سجادیه"، نوشته سید محمدرضا ابن الرسول و صدیقه مظفری، کاوش نامه، شماره ۱۷، سال نهم (۱۳۸۷). "نکات بلاغی در صحیفه سجادیه" نوشته غلامرضا کریمی فرد، فصلنامه مشکاه، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۷۵. شایان ذکر است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره استعاره‌های صحیفه سجادیه به رشته تحریر در نیامده است. افزون بر این، هیچ یک از این مقالات به جایگاه صور خیال در تصویر مفاهیم انتزاعی و مجرد نپرداخته، بلکه تنها به ذکر نوع تشبیهات و استعارات و صنایع بدیعی موجود در صحیفه سجادیه اکتفا کرده‌اند.

۳-۱. روش تحقیق:

شیوه‌ای که در این پژوهش اتخاذ نمودیم توصیفی-تحلیلی است. در آغاز، نگاهی به ادبیات و اسلوب صحیفه سجادیه خواهیم داشت سپس به نقد و بررسی آراء و نظرات ناقدان ادب عربی درباره استعاره می‌پردازیم و سرانجام استعاراتی را که در صحیفه سجادیه به کار رفته است، در سه بُعد تصویر مفاهیم طبیعی، تصویر مفاهیم انتزاعی و حالات روانی و تصویر مفاهیم دینی نقد و تحلیل خواهیم نمود.

۲- دعا و ادبیات نگارش آن در صحیفه

سجادیه:

«ساختمان هنری دعا غالباً از ابزارهای متعددی

۱. تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، یگانه و بی‌همتا هستی.

استعاره سخن گفته است. او استعاره را عبارت می‌داند از «کاربرد نامی غریب و نامأنوس در مورد چیزی که به آن نام شناخته نیست» (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲).

اما در آثار بلاغت اسلامی، هسته اولیه بحث از استعاره را می‌توان در «الکتاب» سیبویه (۱۴۸-۱۸۰ق) جست. سیبویه با بیان این مطلب که به منظور گسترش معنایی کلمات زبان تغییراتی در مدلول کلمات صورت می‌گیرد، مسأله مجاز را پیش روی علمای بعد از خود گشود، ولی به اجرای استعاره آن‌ها نپرداخت (حسین، ۱۹۹۸: ۱۱۸-۱۲۰). مدتی بعد از وی، فراء (۱۴۴-۲۰۷ق) در کتاب معانی القرآن ذیل آیه: «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ» (الاعراف: ۱۵۴) با بیان این مطلب که اسناد سکوت به غضب مجازی است و سکوت در حقیقت برای عاقل به کار می‌رود، بحث استعاره را به صورت ابتدایی وارد پژوهش‌های بلاغی کرد (فراء، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۶). اما او به تبیین حد مرز و تعریف دقیق استعاره مبادرت نکرد، بلکه این امر به جاحظ (۱۶۳-۲۵۵ق) واگذار شد تا او اولین کسی باشد که تعریفی از اصطلاح استعاره تحت عنوانی با همین نام ارائه دهد^۲ (سامرائی، ۱۹۷۷: ۲۰).

پس از جاحظ قدامه بن جعفر (۳۳۷ق) در جهت تکمیل معرفی استعاره گام برداشتند. قدامه بن جعفر

مُسَيِّءٍ اَعْتَدَرَ اِلَيَّ فَلَمْ اَعْدِرْهُ، وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ اُؤْتِرْهُ، وَمِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزَمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ اُؤْفِرْهُ، وَمِنْ عَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ اُسْتِرْهُ، وَمِنْ كُلِّ اِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ اَهْجُرْهُ» (صحیفه سجاده: دعای ۳۸). جنبه هنری

این متن علاوه بر مضمون والای آن، در موسیقی هماهنگ آن متبلور است. کلمات پایانی فقرات، مثل «اَنْصِرُهُ، اَشْكُرُهُ، اَعْدِرُهُ، اُؤْتِرُهُ، اُؤْفِرُهُ، اُسْتِرُهُ، اَهْجُرُهُ» این فقره با هم هم‌وزن و برابر هستند. این امر است که بی‌تردید، مخاطب می‌تواند آن را به نحو خیره‌کننده‌ای مشاهده کند.

از موارد دیگر زیبایی‌های اسلوبی صحیفه سجاده می‌توان به تصویرهای هنری این اثر گرانسنگ اشاره کرد که ان شاء الله در ادامه به تصاویر هنری آن در خلال بحث از استعارات موجود در صحیفه، خواهیم پرداخت.

۳- جایگاه استعاره در حوزه نقد ادبی و کارکرد آن:

استعاره یکی از پیچیده‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعاتی است که از حدود ۲۵۰۰ سال قبل مورد توجه ادیبان و فیلسوفان قرار گرفته است. ارسطو (۳۸۴ق.م- ۳۲۲ق.م) نخستین کسی است که از

۱. خدایا! من از درگاه تو پوزش می‌خواهم: اگر در حضور من بر ستم‌دیده‌ای ستم رفته است و من به یاری او نشناخته‌ام، یا به من نیکی شده و آن را سپاس نگفته‌ام، یا بدکرداری از کردارِ بدِ خود پوزش خواسته و نپذیرفته‌ام، یا مستندی از من چیزی خواسته و من برآوردن نیاز او را بر نیاز خود، پیش نیفکنده‌ام، یا دارنده حقی بر عهده من حقی داشته است و من به جا نیاورده‌ام، یا عیبی از مؤمنی بر من آشکار شده و من آن را نپوشانده‌ام، و یا هرگناهی که پیش آمده و من از آن دوری نگزیده‌ام.

^۲ و چون خشم موسی فرو نشست ...

^۳ صاحب کتاب اثر النحاة فی البحث البلاغی بر این باور است که اگرچه فراء لفظ استعاره را به کار نبرده و واضح آن نیست، اما از آن‌جا که معنای مجازی و حقیقی را معین و قرینه صارفه را ذکر می‌کند، او اولین کسی است که متوجه استعاره شد، اما برای آن اسم وضع نکرده است (رک: حسین، ۱۹۹۸: ۱۵۸-۱۶۰).

۱. روشن ساختن معنا. ۲. تأکید. ۳. مبالغه. ۴. ایجاز. ۵. آرایش کلام (عسکری، ۱۳۱۹: ۲۰۵). او به بسط شیوه تحلیلی رمانی در تبیین ارزش روانشناختی استعاره می‌پردازد و با ارائه نمونه‌های فراوان نقش استعاره را در تجسم احساسات و عواطف مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد (همان: ۲۰۵-۲۱۱).

پس از رمانی، عبدالقاهر جرجانی (۴۰۰-۴۷۱ق) مسؤولیت پیشبرد پژوهش‌های استعاره را بر عهده گرفت. او که از شیوه علمای پیش از خود در بررسی زیبایی استعاره راضی نبود (ر.ک: جرجانی، ۲۰۰۷: ۴۰۵-۴۰۷) در صدد تغییر نگاه‌ها به استعاره بر آمد؛ زیرا «گذشتگان به آن از خلال رابطه بین حقیقت و مجاز می‌نگریستند، لذا تعریف‌های آن‌ها درباره استعاره حول دو مفهوم نقل و علاقه (مشابهت) می‌گردید، اما جرجانی از خلال مفهوم ادعا به آن نگرست لذا انتقال را از مفهوم استعاره دور نمود و بر مفهوم ادعا تأکید کرد (راغب، ۱۳۸۷: ۸۰).

نوع جرجانی در پیشبرد استعاره به همین جا ختم نشد، بلکه او به ارزش هنری و تأثیر روانی استعاره در به تصویر کشیدن انفعالات درونی گوینده پرداخت. او در این باره می‌گوید: «وإن شئت أرتك المعاني اللطيفة التي هي من خبايا العقل، كأنها قد حُسمت حتى رأها العيون وإن شئت لطفّت الأوصاف الجسمانية حتى تعود روحانية لا تنالها إلا الظنون»^۲ (جرجانی، ۲۰۰۶: ۴۷).

از این سخنان ناقدانی که به بحث و بررسی

با تقسیم‌بندی استعاره به استعاره فاحش (استعاره‌ای که میان معنای حقیقی و معنای مجازی ناهمگونی باشد) و استعاره زیبا و توجه به اصل مشابهت بین معنای مستعار^۱ و مستعار^۲ له نکته‌تازه‌ای به تعریف آن افزود و دریچه‌ای نو فرا روی ناقدان گشود (ر.ک: قدامه بن جعفر، بی‌تا، ۱۷۴-۱۷۵).

از این پس، تعریف علما از استعاره و تبیین زیبایی‌های آن با پیشرفت چشمگیری روبرو می‌شود. علی بن حسین رمانی در پرتو اثبات اعجاز قرآن، زیبایی استعاره را مورد بحث و پژوهش قرار داد. نکته بسیار جالب و نوین پژوهش او ارائه تحلیل‌های ژرف روانشناختی از استعاره‌های قرآنی است. تحلیل‌هایی که نقطه عطفی در پژوهش‌های استعاری بلاغ‌دانان اسلامی ایجاد کرد.

او در تحلیل استعاره موجود در آیه: «نَكَادُ نَمِيرٌ مِنْ الْغَيْظِ» (الملک: ۸) می‌نویسد: «معنای حقیقی - آتش، پاره پاره شدن از شدت جوشش به وسیله آتش است؛ یعنی نزدیک بود از شدت جوشش پاره پاره شود و استعاره بلیغ‌تر از حقیقت است؛ زیرا مقدار خشم بر نفس محسوس و قابل ادراک است و این آشکار است که شدت خشم، شدت انتقام را در پی دارد. پس در این استعاره برترین نوع بیم دادن و قوی‌ترین روش اندرز دادن و برترین راهنما به قدرت لایزال الهی است (رمانی، ۱۹۸۶: ۸۷).

در ادامه ابو هلال عسکری (۳۹۵ق) پژوهش‌های گسترده‌تری درباره استعاره انجام داد. او علاوه بر انتقال از معنای وضعی کلمه به معنای مجازی آن، به اهمیت و نقش بارز استعاره در زیبایی و بلاغت سخن نیز اشاره کرد. زیبایی استعاره از نگاه ابو هلال عسکری در پنج امر ذیل خلاصه می‌شود:

^۱ نزدیک است که از خشم شکافته شود..

^۲ اگر بخواهی معانی لطیفی که از خفایای عقل هستند، به تو می‌نمایاند، به گونه‌ای که گویی مجسم شده است آن چنان که چشم آن را می‌بیند و اگر بخواهی اوصاف جسمانی را لطیف می‌سازد تا آن‌جا که به سان امور معنوی که جز در ظن و گمان‌ها نمی‌گنجد، ظاهر می‌شوند.

درباره استعاره پرداخته‌اند، به راحتی می‌توان دریافت که آنان مهمترین نقشی که برای استعاره قائل بودند، همان ویژگی تصویرگری و مجسم نمودن امور معنوی در ذهن شنونده است. ما نیز از همین رهگذر نگاهی به کارکرد استعاره در تصویرگری مفاهیم به کار رفته در صحیفه سجاده خواهیم افکند.

۴- کارکرد استعاره در تصویر مفاهیم:

۴-۱. تصویر عناصر طبیعی در صحیفه سجاده بر پایه استعاره:

زمین و آسمان

زمین یکی از آیات الهی است که خداوند با رویاندن گیاهان در آن و سرسبز کردن آن بعد از مدتی که دچار خشکی شده بود، انسان را به یاد قیامت و دوباره زنده شدن آن می‌اندازد و از آن تعبیر به «احیاء الارض» نموده است. چنان که در آیه: «فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لُمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ (الروم: ۵۰) از سرسبز کردن زمین به زنده کردن آن تعبیر نموده است. امام سجاد (علیه السلام) که در مکتب قرآن دم زده است، از همین تعبیر قرآنی سود جسته و زیبا شدن زمین به واسطه رویدن گل‌ها و گیاهان را به سان دمیدن روح و حیات در کالبد موجودی مرده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْعَيْثَ... وَامْنِنُ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِإِبْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَأَحْيِي بِلَادَكَ بِلُؤْغِ الزَّهْرَةِ»^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۱۹).

^۱ پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست.

^۲ ای خداوند! میوه‌ها را برسان و بر بندگانت احسان فرمای، گل‌ها را شکفته گردان و زمین خود زنده نمای.

این تصویر برای زنده جلوه دادن صحنه‌های طبیعت در احساس و آگاهی انسان نسبت به عناصر طبیعت آمده است. گویی انسان زمین را همتای خود می‌بیند، از این رو احساس او بیدار می‌گردد تا از ماورای این صحنه محسوس به قدرت آفرینشگر آن و تدبیر امور آن پی ببرد. تصویر در این‌جا، نخست صحنه پراکنده شدن ابر در آسمان و نزول باران را ترسیم نموده است. تأثیر این صحنه طبیعی (نزول باران) نخست در شادمانی مردمان و فراوان شدن روزی آنان است. سپس تصویر به تأثیر باران در رویش گل‌ها و گیاهان منتقل می‌شود و تصویر زمین سبز شده به سان تصویر انسانی زنده و متحرک ترسیم می‌شود. علت این‌که امام سجاد (علیه السلام) به جای تعبیر اظهار نبات از تعبیر استعاری احیاء استفاده کرده است، این است که حرکت و پویایی زمین را که از مفاهیم غیر قابل ادراک است، به واسطه استعاره احیاء برای آن به تصویر بکشد، زیرا تنها موجود زنده است که متحرک و پویا جلوه می‌نماید.

آسمان نیز یکی از عناصر طبیعی است که در صحیفه سجاده به روش استعاری به تصویر کشیده می‌شود. در دعای سی و یکم، امام سجاد (علیه السلام) زمین و آسمان را شاهد اعمال خود می‌بیند و می‌گوید: «لِتَسْمَعَ سَمَاؤُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدُّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا

نَحَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزَتِي بِرِضَاكَ»^۱ (صحیفه سجاده: دعای ۳۱). در این تصویر، امام سجاد (علیه السلام) برای آسمان و زمین گوش‌هایی شنوا را فرض می‌کند که توبه و پشیمانی بنده در پیشگاه مولایش را می‌شنوند. شدت ناله‌ها صادقانه و پشیمانی امام به حدی است که دل آسمان و زمین به درد می‌آید؛ از این رو احساس ترحم در آن‌ها شکل گرفته و رحمت و مهربانی خود را نصیب ایشان می‌نمایند و در پیشگاه خداوند، از وی شفاعت می‌کنند.

باد و باران

باد و باران نیز از دیگر مظاهر طبیعت هستند که در بیان امام سجاد (ع) در قالب استعاره به تصویر کشیده شده‌اند. ایشان در دعای سوم آنجا که از خداوند می‌خواهد تا بر فرشتگانی که مسئولیت امور باد و باران را بر عهده دارند، درود بفرستد، می‌گوید: «فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَخَزَانَ الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ وَالَّذِي بَصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ... وَالْقَوَامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ»^۲

^۱ برای آن است که آسمان‌ها و ساکنان آنها و زمین و هر چه بر روی آن است، پشیمانی مرا که در برابر تو اظهار کرده‌ام بشنوند و بدانند که توبه کرده‌ام و به تو پناه آورده‌ام. باشد که یکی از آنها بر شوربختی من رحمت آرد یا بر بد حالی منش رقت آید و در حق من دعایی کند که تو زودتر دعای من را مستجاب فرمایی، یا روی شفاعت بر زمین نهد و شفاعت او از درخواست من مقبول‌تر افتد و سبب رهایی من از خشم تو و توفیق یافتن من به خشنودی تو باشد.

^۲ خداوند! بر ایشان درود بفرست و بر ملائکه رحمت خویش... و بر خازنان باران و روان‌کنندگان ابرها که چون بر ابرها بانگ زنند، آواز تندرهای به گوش رسد و چون ابرها از آن نهیب به راه افتند، آذرخش‌ها از درونشان بدرخشند. و بر آن فرشتگان که نگهبانان خزاین بادها باند.

(صحیفه سجاده: دعای ۳).

این تصویر به جایگاه و ارزش بسیار مهم باد و باران در اداره امور گیتی اشاره دارد. کاربرد واژه‌های «خَزَانٌ وَخَزَائِنٌ» به همراه «الْمَطَرِ وَ الرِّيَّاحِ» به این امر دلالت دارد که این دو پدیده به سان گنجینه‌های نفیسی هستند که فرشته‌هایی بر آن نظارت دارند و آن از محافظت می‌نمایند.

روز

روز نیز عنصر دیگری از عناصر طبیعی است که در دعا‌های امام سجاد (علیه السلام) صورتی انسانی به خود می‌گیرد: «وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ»^۳ (صحیفه سجاده: دعای ۶). در این عبارت روز به سان شاهدی زنده که بر انسان و اعمالش گواه است، ترسیم می‌شود گویی با گوش‌های شنوای خود تمامی سخنان و با چشمان تیزبینش تمامی حرکات ما را زیر نظر دارد و در پایان که هنگام وداع فرا می‌رسد، لب به سخن می‌گشاید تا اگر نیک گفته و عمل کرده باشیم، به حمد و ثنای ما بپردازد و اگر خلاف آن باشد، سرزنش‌کنان ما را ترک می‌کند: «إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَانَا فَارْقَنَا بِدَمٍ»^۴ (همان).

امام سجاد (علیه السلام) روز را مانند دوستی می‌بیند که با او همراه است و از خداوند می‌خواهد تا او را توفیق دهد به نیکی با این دوست همراه شود و از بدی کردن به او به خاطر انجام گناه در امان بماند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ،

^۳ این بامدادی است نو دمیده و روزی است تازه فرا رسیده. بر اعمال ما گواه است.

^۴ اگر نیکی کنیم، ما را وداع کند به ستایش و اگر بدی کنیم، از ما جدا شود به نکوهش.

وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ^۱ (همان).

۲-۴. تصویر مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در

صحیفه سجاده بر پایه استعاره

لطف و رحمت پروردگار

رحمت چنان که راغب اصفهانی می‌گوید: اگر در مورد انسان استعمال شود، به معنای احسان همراه با رقت قلبی به کسی است اما اگر برای خداوند استعمال شود مقصود از آن مطلق لطف پروردگار نسبت به بندگانش است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ج ۱: ذیل ماده رحم). قرآن کریم رحمت را به سان گنجینه‌ای پر بها که در خزانه‌های بزرگ نگاه داشته می‌شود ترسیم نموده است و می‌فرماید: «فَلَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَثُورًا^۲» (الاسراء: ۱۰۰). امام سجاد (ع) همین تصویر را در دعای پنجم از صحیفه سجاده به کار گرفته و می‌گوید: «وَيَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ^۳» (صحیفه سجاده: دعای ۵).

در دعای شانزدهم نیز، امام سجاد (ع) تصویری خیالی و پویا از رحمت الهی ارائه می‌دهد، آن‌جا که

^۱ خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزی ما چنان کن که این روز را مصاحبی شایسته باشیم و ما را از آن نگه‌دار که ترکش گوییم در حالی که مرتکب گناهی کوچک یا بزرگ شده باشیم.

^۲ بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید و انسان همواره بخیل است.

^۳ ای خداوندی که خزاین رحمتش فنا نشود، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از رحمت خویش نصیبی ده.

می‌گوید: «وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضِبِهِ^۴» (صحیفه سجاده: دعای ۱۶). در این عبارت، رحمت و غضب پروردگار را مشاهده می‌کنیم که با هم وارد مسابقه شده‌اند و هریک می‌خواهد از دیگر سبقت بگیرد، اما رحمت با گام‌های بلندتر و سرعت بیشتر خود پیشاپیش غضب می‌دود.

عنایت پروردگار به بندگان در برابر شیطان

دشمنی شیطان با آدم (ع) و فرزندان او یکی از تاریخی‌ترین جنگ‌های تاریخ است که هیچگاه شعله‌های آن خاموش نشده و نخواهد شد. قرآن در موارد بسیاری دشمنی او را با فرزندان آدم به تصویر کشیده است. از جمله کمین کردن او در راه راست برای منحرف کردن انسان: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنْتَبِهَنَّ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ^۵» (الاعراف:

۱۷). اما آنان که مورد عنایت خداوند قرار دارند، شیطان هیچ سلطه‌ای بر آنان ندارد: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا^۶» (الاسراء: ۶۵). امام سجاد (ع) نیز صحنه‌هایی از دشمنی شیطان با انسان به تصویر کشیده است که مجال ذکر آن‌ها نیست، اما آن‌چه در این‌جا مورد نظر ماست، تصویر محافظت خداوند از بندگان خود در برابر تیرهای دشمنی شیطان است که در دعا‌های

^۴ تویی که رحمتت را بر غضبت پیشی است.

^۵ گفت: «پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آن‌گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

^۶ در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست و حمایت-گری [چون] پروردگارت بس است.

دعای شانزدهم، بخشی از آثار گناه را که یکی از مفاهیم انتزاعی و مجرد است، در پیش روی خواننده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَفِئَتِي قَدْ أُرْقَتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتَقْهَا بِعَفْوِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثَقَلْتُهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ»^۲ (صحیفه سجادیه: دعای ۱۶). در این عبارت، امام سجاد (ع) در یک تصویری خیال‌انگیز، گناهان را همچون باری به تصویر کشیده است که در اثر سنگینی آن گردن انسان ضعف و سست شده و کمر نیز به خاطر شدت فشار این بار، خمیده گردیده است. از این رو امام (ع) از پروردگار خویش درخواست می‌کند تا به او یاری دهد و اندکی از این بار را از دوش او بردارد.

۴-۳. تصویر مفاهیم دینی در صحیفه سجادیه بر پایه

استعاره:

انفاق در راه خداوند

مهمترین عملی که انسان نسبت به پروردگار خویش می‌تواند انجام دهد، دو چیز است یکی توجه بخدا و دیگری انفاق در راه او است. از این رو خداوند متعال در موارد متعدد به این دو امر مهم سفارش نموده و می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»^۲ (بقره: ۴۳) «وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۴ (البقره: ۳).

^۲ ای خداوند، این گردن من است در زیر بار گناهان باریک شده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به عفو خود آزادش کن. و این پشت من است در زیر بار خطاها خمیده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به فضل خود بار خطای من بکاه.

^۳ و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید.

^۴ و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

صحیفه سجادیه به زیبایی ترسیم شده است. امام سجاد (ع) این صحنه را این‌گونه به تصویر کشیده است: «وَأَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنَّةً وَاقِيَةً وَأَعْطَاهُمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً»^۱ (صحیفه سجادیه: دعای ۱۷).

در این عبارت، دو تصویر بسیار زیبا و خیالی از حمایت‌های الهی ارائه شده است. در تصویر نخست، محافظت پروردگار از مؤمنان نسبت به خطرات شیطان به سان زره‌های محکمی به تصویر کشیده شده که تیرهای شیطان در آن نفوذ نمی‌کند و خطری از سوی آن‌ها متوجه مؤمنان نخواهد شد. در تصویر دوم، دعا و اعمال نیک انسان همچون سلاح‌های برانی به تصویر کشیده شده است که انسان با آن‌ها به جنگ با شیطان می‌رود (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۰۴). در این دو تصویر، کلمه واقیه و ماضیه به زیبایی خاصی گزینش شده است تا ضعف شیطان در برابر نیروهای الهی بیشتر نمایان شود. زیرا کلمه واقیه بیان‌گر این است که با عنایت خداوند، تیرهای شیطان اثری در مؤمنان نخواهد داشت و کلمه ماضیه بر این دلالت دارد که انسان با اعمال صالح خود نه تنها می‌تواند از خطرات شیطان جلوگیری کند، بلکه قادر است او را از پای در آورد.

گناه

در این سرای ناپایدار، انسان در طول دوران زندگی خود افعال و اعمالی را انجام می‌دهد که همیشه آن‌ها را به عنوان کارنامه اعمال خود به همراه خواهد داشت. این اعمال اگر نیک باشد آدمی سبکبار خواهد بود و اگر گناه و خطا باشد جز سنگینی برای او نخواهد داشت. امام سجاد (ع) در

^۱ و برای پیکار با او سپرهایی نگهدارنده و شمشیرهایی برنده عطا فرما.

مدنی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۱۲۹). از آن‌جا که ماهیت انفاق و پاداشی که در اثر آن به انسان داده می‌شود، برای انسان محسوس نیست، لذا امام سجاد (ع) همچون قرآن، از این عمل خداپسندانه به عنوان تجارتي سودمند که انسان را خوشنود می‌سازد تعبیر نموده تا انسان را برای این کار ترغیب نماید و از سود کلان آن بهره‌مند شود.

نعمت‌های الهی

نعمت‌هایی که پروردگار به انسان ارزانی داشته بسیار زیاد و غیر قابل شماره است. امام سجاد (ع) در برخی از فرازهای ادعیه صحیفه سجاده در قالب استعاره برخی از این نعمت‌ها را برای شنونده به تصویر کشیده است تا انسان بیشتر متوجه لطف و عنایت خداوند نسبت به او شود. یکی از این نعمت‌ها، از بین بردن مشکلات است. امام سجاد این مفهوم را بدین شکل به تصویر کشیده است: «وَكَمْ مِنْ سَحَائِبٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا عَنِّي، وَسَحَائِبٍ نِعْمٍ أَمْطَرَتْهَا عَلَيَّ، وَجَدَّأُولَ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَعَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا، وَأَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَعَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا»^۵ (صحیفه سجاده، دعای ۴۹).

^۴ چه بسیار ابرهای بلا که بر سر من خیمه زده بود و تو آنها را پراکنده ساختی و چه بسا ابرهای آستن از نعمت خود بر سر من فرستادی تا بر من بیارند و چه بسا جویباران رحمت که برای سیراب کردن من جاری کردی و چه بسا جامه‌های عافیت که بر تن من پوشیدی و چه بسا چشمان حوادث را که بر دوختی و چه بسا حجابهای غم و اندوه که به یک سو زدی. ^۵ صاحب ریاض السالکین بر این عقیده است که ترکیب‌های «سحاب مکره» و «سحاب نِعْم» از باب استعاره است و فعل‌های «جلیتها» و «امطرتها» تشریح استعاره هستند. ایشان استعاره اول را این‌گونه اجرا کرده است: غم و اندوهی که در اثر مکره انسان را فرا می‌گیرد به ابر تشبیه شده و جامع در

عمل انفاق در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که قرآن از آن تعبیر به تجارت پرسود با پروردگار نموده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ»^۱ (فاطر: ۲۹). امام سجاد (ع) در دعای چهل و پنجم انفاق در راه خداوند و اطاعت از این فرمان الهی برای به دست آوردن بهشت را به سان تجارت و معامله خداوند با بنده به تصویر کشیده است و می‌گوید: «وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ»^۲ (صحیفه سجاده: دعای ۴۵). "سوم" مصدر از فعل «سَامَ الْبَائِعُ السَّلْعَةَ» به معنی عرضه کردن کالا برای فروش است (زمخشری، ۱۹۷۹: ذیل ماده سوم) از این رو خداوند به مانند فروشنده‌ای به تصویر کشیده شده است که کالای خود (پاداش اخروی) را به حراج گذاشته و هدفش سود بردن مشتری (بندگان) است (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۳۳).

امام سجاد (ع) در جای دیگر نیز از خداوند می‌خواهد تا تجارت او سودآور باشد: «وَأَجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ»^۳ (صحیفه سجاده: دعای ۴۷). در این عبارت نیز طاعت خداوند برای ثواب بردن به تجارت با پروردگار تشبیه شده است (ر.ک:

^۱ در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

^۲ تو کسی هستی که در معامله با بندگان خود، همواره به سود آنان در بها می‌افزایی و می‌خواهی که در معامله با تو سود برند.

^۳ چنان کن که در تجارتم سود برم و بی‌هیچ زیان بازگردم.

در عبارت نخست، آنچه سبب گشایش در امور زندگی انسان می‌شود، به دروازه‌ای تشبیه شده است که انسان برای ورود به محیطی محصور از آنجا داخل می‌شود. از این رو اسباب فرج و گشایش در زندگی به سان دری برای ورود به سوی راحتی و آسایش تصویر کشیده شده است. در تصویر دوم، امام سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد، غم و اندوه را از ایشان دور نماید و بدین منظور تصویری از لشکریان غم و اندوه را پیش چشمان خواننده به تصویر در می‌آورد که به انسان حمله‌ور شده‌اند و خداوند این لشکریان را با قدرت خود درهم می‌شکند. در تصویر پایانی امام سجاد (ع) نیکی خداوند به بندگانش را به سان خوراکی لذیذ و یا نوشیدنی گوارایی ترسیم نموده است که به بندگان خدا خورانده می‌شود.

در این عبارت مشکلات و سختی‌هایی که بر انسان فرود می‌آید به سان ابرهایی به تصویر کشیده شده‌اند که بالای سر انسان قرار گرفته و آماده‌اند تا قطرات غم و اندوه را بر او ببارند، اما طولی نمی‌کشد که لطف پروردگار شامل حال انسان می‌شود و این ابرهای ناخوشایند از آسمان زندگی انسان کنار زده می‌شود و ابرهای نعمت الهی جای آن‌ها را می‌گیرند و دانه‌های باران خود را بر انسان جاری می‌کنند. تصویرگری امام از نعمت‌های الهی به همین جا ختم نمی‌شود بلکه، نعمت‌ها یکی پس از دیگری از پی هم به تصویر کشیده می‌شوند: یک بار امر نیکی همچون لباسی از جنس عافیت بر پیکر انسان پوشانده می‌شود بار دیگر چشم حوادث ناگواری که انسان را گرفتار می‌سازد، کور می‌شود تا راه به سوی انسان نبرد.

یکی دیگر از نعمت‌های الهی به انسان، نجات او از خطرات فتنه‌ها و بلاهاست. امام سجاد (ع) آنگاه که از خداوند می‌خواهد تا ایشان را از فتنه و بلا نجات دهد، می‌گوید: «وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى» (صحیفه سجادیه: دعای ۴۷).

این تقابل در به تصویر کشیدن نعمت‌ها، در عبارت زیر نیز مشهود است: «وَأَفْتَحْ لِي يَا رَبُّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَّوْتُ، وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِئِيًا» (صحیفه سجادیه: دعای ۷).

در این عبارت، خیال پویای امام سجاد (ع) در قالب استعاره تخیلی، دو تصویر ترسناک از فتنه‌ها و بلاهایی که انسان بدان‌ها گرفتار می‌شود ارائه داده و این دو مفهوم ذهنی را در پیش روی او ترسیم نموده است. در تصویر نخست، فتنه‌ها را همچون گرداب‌هایی مشاهده می‌کنیم که انسان را در خود فرو برده و سراسر وجود او را در بر گرفته‌اند. در تصویر دوم، بلاها به سان حیوان درنده‌ای مجسم

برگرفتن است. و در استعاره دوم نعمت به باران تشبیه شده و مشبه‌به حذف شده و با ذکر سحائب به آن اشاره شده است (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۸۴).

^۱ ای پروردگار من، به فضل خویش در آسایش بر من بگشای و به قدرت خویش سطوت اندوه را بر من بشکن و در آنچه زبان شکایت گشوده‌ام به رحمت نظر کن و مرا حلاوت استجابت در هر چه خواسته‌ام بچشان و از نزد خویش رحمتی و گشایشی خوشگوار بر من ارزانی دار.

^۲ مرا از گردابهای فتنه رهایی بخش و از تنگنای بلا وارهان.

شده‌اند که انسان را در حلق خود فرو برده و در حال بلعیدن او هستند.

یکی دیگر از نعمت‌های الهی خداوند به انسان رزق و روزی است که در هر لحظه از آن بهره‌مند می‌شود. امام سجاد (ع) در دعای بیست و پنجم برای درخواست روزی فراوان از خداوند، از استعاره تصویری استفاده کرده و می‌گوید: «وَأَذِرْ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي أَرْزَأَهُمْ» (صحیفه سجادیه: دعای ۲۵). در این عبارت، روزی که از امور ذهنی است به سان شیر^۱ که امری محسوس است، به تصویر کشیده شده است. کاربرد استعاری لفظ شیر برای روزی به این دلیل است که راحت به دست آمدن روزی برای فرزندان را به تصویر بکشد. به عبارت دیگر امام سجاد با این تعبیر می‌خواهد از خداوند درخواست نماید، همان‌طور که شیری که از حیوان دوشیده می‌شود به آسانی در دسترس انسان قرار می‌گیرد، روزی فرزندانم را به آسانی در دستان من جاری گردان تا بدین منظور متحمل زحمت و مشقت نشوم.

آتش جهنم

آتش جهنم و سختی‌ها و مصائب آن یکی از مهمترین اندازهای الهی در کتاب مقدس قرآن است. خداوند در بسیاری از موارد برای برحذر داشتن از انسان از مواجهه با این عذاب دردناک از تصویرهایی خیالی و ترسناک بهره برده تا این خوف و حذر را در ذهن انسان مجسم نماید. از جمله در آیه «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلْ امْتَلَأْتِ وَ نَقُولُ هَلْ مِنْ

^۱ و وظیفه روزی ایشان، برای من و بر دست من پیوسته گردان.

^۲ «واژه ذرّ برای کبن (شیر) وضع شده است و استعمال آن برای غیر شیر مجاز می‌باشد (زمخشری، ۱۹۷۹، ذیل ماده ذرّ).

مَزِيدٍ» (ق: ۳۰). و نیز آیه: «إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ * تَكَادُ تَمَيِّرُ مِنَ الْعَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» (الملک: ۸).

امام سجاد (ع) نیز از آن‌جا که بیشتر دعاهای خود را بر اصول و اهداف تربیتی بنا نهاده‌اند، برای برحذر داشتن انسان‌ها از رویارویی با چنین صحنه‌هایی از تصویرهایی محسوس و ملموس که ترس را در جان مخاطب برمی‌انگیزد، بهره برده است. ایشان در دعای سی‌ودوم از صحیفه جهنم را این‌گونه به تصویر کشیده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَيَّ مِنْ عَصَاكَ، وَ تَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَ مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَ هِينَهَا أَلِيمٌ، وَ بَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَ مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَيَّ بَعْضٌ»^۵ (صحیفه سجادیه: دعای ۳۲). این فراز از دعا دو تصویر را در خود جای داده است که هر دو در جهت هشدار و انذار بشر از رویارویی با آتش جهنم ترسیم شده‌اند. در تصویر نخست، امام سجاد (ع) تصویری مشابه تصویر آیه سی‌ام سوره «ق» ارائه می‌دهد. ایشان آتش جهنم را به سان حیوان سیری-

^۳ آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم: «آیا پر شدی؟» و می‌گوید: «آیا باز هم هست؟»

^۴ چون در آنجا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد. نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشداردهنده‌ای نیامد؟»

^۵ ای خداوند، پناه می‌برم به تو از آتشی که به لهیب آن هر که را از تو فرمان نبرد به سختی بیم داده‌ای و هر که را در راه خشنودی تو گام نزنند، به عذاب تهدید کرده‌ای، از آتشی که روشنایی آن تاریکی است و اندک آن دردناک است و اگر چه دور باشد گویی نزدیک است، از آتشی که شعله‌هایش یکدیگر را می‌بلعند و بر یکدیگر می‌پیچند.

تربیتی و اعتقادی قرار داده است تا آنچه را که از محدوده حواس انسان خارج است، به واسطه خیالی عمیق در صفحه ذهن او ترسیم نماید. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، تأثیر روانی استعارات به کار رفته در صحیفه سجادیه است؛ زیرا امام سجاد (ع) در مواقعی از استعاره سود برده است، که سیاق و بافت متن آن را می‌طلبد، از این رو اگر خواننده سیاق کلام را به خوبی دریابد، کارکرد روانی استعارات را در خود خواهد یافت.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه.
- ابوالقاسم حسین بن محمد المعروف بالرغب الاصفهانی (د.ت)، المفردات فی غریب القرآن، مکتبه نزار مصطفی الباز: مکه المکرمة.
- البستانی، محمود، (۱۴۱۳ق)، تاریخ الأدب العربی فی ضوء المنهج الاسلامی، الطبعة الاولى، مجمع البحوث الإسلامية (مؤسسة الطبع و النشر للآستانة الرضویة المقدسة): مشهد.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۲۰۰۶)، اسرار البلاغة، تقدم وتعلیق عرفان مطرجی، الطبعة الاولى، مؤسسة الکتب الثقافیة: بیروت.
- _____، (۲۰۰۷م)، دلائل الإعجاز، تحقیق محمد رضوان الدایة وفایز الدایة، الطبعة الاولى، دارالفکر: دمشق.
- حسین، عبدالقادر، (۱۹۹۸م)، أثر النحاة فی البحث البلاغی، دار غریب للطباعة والنشر و التوزیع: القاهرة.
- راغب، عبدالسلام احمد، (۱۳۸۷ش)، کارکرد تصویر هنری در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، انتشارات سخن: تهران.

ناپذیر ترسیم نموده است که انسان‌ها را در خود هضم می‌کند و حتی لحظه‌ای از این امر باز نمی‌ایستد. تراکم شعله‌های این آتش چنان است که هرگاه طعمه‌ای از جسم انسان نیابد، پاره‌های آن یکدیگر را می‌بلعند. در تصویر دوم شعله‌های آتش جهنم به سان حیوانات درنده‌ای ترسیم شده است که برای شکار طعمه بر آن حمله‌ور می‌شوند. از این رو، مخاطب با شنیدن این فراز از دعا، در پیش روی خود صحنه‌هایی مخوف از جهنم را می‌بیند و او را وادار می‌کند تا از ارتکاب هر عملی که نتیجه آن دیدن چنین صحنه‌هایی است، پرهیز نماید. بدیهی است که صحنه‌های جهنم با آن توصیفاتی که قرآن از آن ارائه داده است، به مراتب سهمگین‌تر از مواجهه با حیوان درنده است، اما از آن‌جا که جهنم برای بشر به راحتی قابل ادراک نیست، امام سجاد (ع) با کمک مفاهیمی که در ذهن بشر نقش بسته (ترس از رویایی با حیوان درنده) در صدد ملموس ساختن آن برای انسان است تا او را به وسیله حس و خیال خود نسبت به خطرات و مصائب جهنم آگاه سازد.

۵- نتیجه:

استعاره ماهیتی تصویری دارد و به دنبال یک ضرورت روانی شکل می‌گیرد تا از یک سو متکلم را در ترسیم عواطف و احساساتش یاری دهد و از سوی دیگر، ذهن خواننده را در درک اهداف مورد نظر گوینده و مفاهیمی که در تصور نمی‌گنجد، یاری رساند. از این رو استعاره یکی از پربسامدترین اسالیب بیانی در به تصویر کشیدن مفاهیم ذهنی و انتزاعی در میان متون دینی و ادبی است. امام سجاد (ع) نیز استعاره را به عنوان یکی از ابزارهای تصویرگری مفاهیم پیچیده ذهنی، و نکات دقیق

- الرمّاني، علي بن عيسي، (١٩٨٦م)، النكت في اعجاز القرآن (ضمن ثلاث رسائل في اعجاز القرآن)، تحقيق: محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، دار المعارف: القاهرة.
- الزمخشري، (١٩٧٩م)، اساس البلاغة، الطبعة الاولى، دار صادر: بيروت.
- السامرائي، مهدي صالح، (١٩٧٧م)، المجاز في البلاغة العربية، دار الدعوة: سورية.
- العسكري، ابوهلال حسن بن عبدالله، (١٣١٩ق)، كتاب الصناعتين الكتابة و الشعر، تحقيق: محمد امين الخانجي، الطبعة الاولى، مطبعة محمود بك: الأستانة.
- فراء، أبو زكريا يحيى بن زياد (د.ت)، معاني القرآن، تحقيق: أحمد يوسف النجاتي / محمد علي النجار / عبد الفتاح إسماعيل الشلبي، الطبعة الاولى، الدار المصرية للتأليف والترجمة: مصر.
- قاسم زاده، حبيب الله، (١٣٧٩ش) استعاره و شناخت، چاپ اول، فرهنگان: تهران.
- قدّامة بن جعفر، ابوالفرج، (د.ت)، نقد الشعر، تحقيق: محمد عبدالمنعم خفاجي، دار الكتب العلمية: بيروت.
- مدني، سيد عليخان بن أحمد، (١٤٠٩ق)، رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين، تحقيق: محسن حسيني اميني، الطبعة الاولى، دفتر انتشارات اسلامي: قم.